



سیدمسئانی
منتقدسازو
کارشناس سینما

و حتی فلسفی از ورای آن رویت می‌شود. علی حاتمی در خانواده‌ای سیاسی و مبارز بزرگ نشد. در بطن مسائل سیاسی هم قرار نداشت اما از ۹سالگی‌اش کودتای ۲۸ مرداد و شعارهای مرگ بر شاه و زنده‌یاد مصدق را به خاطر می‌آورد و همچنین در کوران مبارزات خرداد۴۲ به تحصیل در دانشگاه که آن روزها کانون گرم مبارزه و سیاست بود، اشتغال داشت. شاید از همین روی، وقایع تاریخی را دنبال می‌کرد، دیدگاهی تحلیلیگر در این زمینه داشت که پس‌زمینه وقایع را ورای کلیشه‌ها و شعر و شعارها و حتی کتب و نوشته‌جات رایج ببیند و از موضعی غیررسمی و سلیم با این‌گونه پدیده‌ها برخورد کند. خودش معتقد بود که اگر تاریخ با انگاره‌های تاریخی معاصر این سرزمین را در آثارش مورد مداخله قرار می‌دهد، قصدش تنها بیرون کشیدن روابط انسانی از زوایای تاریک آن است که در سایه شعر و شعارها و قهرمان‌سازی‌ها و اسطوره‌پردازی‌ها همواره پنهان مانده. او با نگاهی هنرمندانه و دیدگاهی کاوشگر به دنبال حقایقی از این تاریخ بود که ورای تحریفات و حتی واقعیات گفته شده، قرار می‌گرفت. او بحق معتقد بود که تاریخ این سرزمین را اغلب درباریان و ستایشگران شاهان نوشته‌اند. برای دریافت تاریخ واقعی بایستی به سراغ مردم و محفوظات‌شان رفت و تاریخ مردمی را به نگارش درآورد.

این همان تاریخ‌نگاری جدیدی است که اگرچه در سنت‌های دیرین سرزمین ما قرار داشت اما با ورود فراماسون‌ها به عرصه فرهنگ و کتب و تاریخ‌نگاری کشورمان از آن عهد قاجار و دوران صداراعظمی میرزاحسن‌خان سپهسالار) جای خود را به کتب درباری و اسناد منتشره از سوی کشورهای خارجی داد که جز آنچه خودمی‌طلبیدند را به خود مخاطبان‌شان نمی‌دادند.

مرحوم علی حاتمی در مصاحبه‌ای با حمید نعمت‌ا... پس از دومین نمایش سریال «هزار داستان»، در مورد نگاه تحقیرآمیز این نوع تاریخ‌نگاری به فرهنگ و سنت‌های ایرانی گفت: «...من این کتاب (تاریخ ایران حسن بیبرتیا) را نگاه کردم و این حس تحقیر را که شما به آن اشاره کردید، ناخودآگاه حس کردم. یعنی آیا مردمان ایرانی همه درمانی آبله‌رو، تراخمی و کثیف بودند و همه چیز آن دوره تا این حد فاجعه‌آمیز بوده‌است؟ آن شخص نویسنده اصلا از آن دوران متنفر بوده‌است، ایران و ایرانی و فرهنگ آن دوره را مشخصاً تحقیر می‌کند...»

سینمای ملی یعنی هنر اسلامی–ایرانی

از همین‌روست که حاتمی از همان نخستین فیلم‌هایش سعی داشت بر آن هویت‌باختگی فرهنگی از یک سو و آرکایسمس مورد نظر رژیم شاه و گردانندگان فراماسونشی از سوی دیگر فائق آمده و اندیشه و سنت‌های اسلامی را بخش تفکیک‌ناپذیر و ارزش‌دهنده فرهنگ ایرانی به‌شمار آورد. این نگاه دینی/ ملی را مرحوم علی حاتمی تقریباً در تمامی آثارش به نمایش گذاشت، نگاهی به همان مفهوم سینمای ملی که بسیاری در پی تفسیر و تبیین‌اش، جلشه، کنفرانس و همایش برگزار کرده و می‌کنند ولی به رویکردی راهبردی دست نیافتند. غافل از این‌که مصداق و نمونه گویایش همین بیخ گوش‌مان و در سینمای مرحوم علی حاتمی به‌وفور به چشم می‌خورد. از نگاه حاتمی، اندیشه و تفکر اسلامی در طول تاریخ این مرز و بوم، بخش مهم و اصلی فرهنگ ملی ایرانی محسوب شده و در بن‌و‌اساس آیین‌ها و سنت‌های این سرزمین ریشه دوانیده به‌طوری‌که بدون فرهنگ دینی به‌خصوص شیعی در این مملکت، ایرانی بودن به شیری بی‌بال و دم‌واشکم می‌ماند.

نگاه کنید در اوایل دهه ۵۰ و در شرایطی که کازکاران کانون‌های استعماری در رژیم شاه، غوغای جداساختن ایران از اسلام را با باستان‌گرایی افراطی به راه انداخته بودند. در قسمت ششم از سریال «سلطان صاحبقران» (۴۰–۱۳۵۳) و در آخر ماجرای امیرکبیر، علی حاتمی چگونه این شخصیت بزرگ تاریخ ایران را با واقعه عاشورا و حماسه حسینی مربوط کرد. همین علی حاتمی است که در اوج تزویج لائسیته فرهنگی توسط عوامل فراماسونی و دیگر کارگزاران استعمار، در شروع فیلم «سوته‌دلان» (۱۳۵۶)، عبارت «بسم ا... الرحمن الرحیم» را قرار داد که به شکلی طبیعی توسط میرزاحبیب ظروفچی هنگامی که اول صبح، دکانش را باز می‌کرد، قرائت می‌شد. چنانچه در پایان، همچنان پناهگاه دشواری‌ها و نابسامانی‌های زندگی او و برادر عقب‌افتاده‌اش، آستانه مقدس امامزاده داوود بود؛ اگرچه گفت که همه عمر به آن دیر

احمد لطفی، دبیر بخش «فیلم ما» یازدهمین جشنواره فیلم عمار، از فیلمسازان آما‌تور دعوت کرده تا آثار خود را با موضوع «طنز و هجو استکبار و غرب‌زدگان» به این رویداد فرهنگی ارسال کنند. این جشنواره با هدف ترویج گفت‌مان مقاومت و نمایش ناتوانی جبهه غرب در برابر اسلام ناب محمدی برگزار می‌شود. لطفی با تأکید بر اهمیت طنز در تبیین واقعیت‌ها، گفت: «طنز یک هنر فاخر است که مطالب جدی را با زبان شوخی بیان می‌کند.» وی هدف اصلی

مقابله با استکبار با سلاح طنز

حاتمی، کاوشگر فرهنگ مردمی

۲۸ سال پس از سفر ابدی راوی قصه دربارها و بازارها و هشتی‌ها و طاقی‌های تاریخ معاصر ایران



دسته را فراماسون‌های معروف مجلس شاهی تشکیل می‌دادند که بخشی از تاریخ مـن درآوردی‌شان را خدشه‌دار شده می‌دیدند. از همین‌رو در جلسه غیرعلنی مجلس مورخ ۱۵ اسفند ۱۳۵۱ بیانیه‌ای از سوی عده‌ای از وکلای فرمایشی قرائت و امضا شد که در آن فیلم ستارخان را کاملاً مردود و تحریف‌علنی تاریخ معاصر به‌شمار آوردند. مفاد این بیانیه به سندیکای هنرمندان که در تیول وابستگی سیاسی– هنری رژیم پهلوی بود، کشیده شد و آنها نیز علی حاتمی را به‌خاطر ستارخان و تحریف تاریخ، مورد عتاب و نکوهش قرار دادند و حاتمی به‌خاطر همین برخورد غیرمنصفانه برای همیشه سندیکای هنرمندان را ترک کرد. سرانجام نیز پس از جنجال‌های فراوان، کمیته امور سینمایی وزارت فرهنگ و هنر سابق در صبح روز ۱۷ اسفندماه طی بخشنامه‌ای، پروانه نمایش فیلم را لغو و به استحضار تهیه‌کنندگان آن رساند و در ۱۹ اسفندماه، فیلم ستارخان به طور کلی توقیف و از اکران پایین کشیده شد. حاتمی در ستارخان، ترورست‌هایی مانند حیدرعواغلی را در پشت‌پرده مشروطیت به تصویر کشید که خود از وابستگی کمیته‌های مخفی ماسونی– یبهایی بودند و در حال‌های پس از سلطنت ناصرالدین‌شاه دست به ترورهای متعددی زدند. صحنه معروف پایان فیلم که اسب ستارخان بدون او می‌آید و حیدرعواغلی با اطمینان می‌گوید که «من سوارش را پیدا می‌کنم» گویاترین صحنه‌ای است که پشت‌پرده حوادثی همچون مشروطیت را در تاریخ ایران روشن می‌ساخت. مرحوم علی حاتمی بسان سرنوشت واقعی مشروطیت، بیانی تلخ برای فیلم ستارخان رقم زد که فقط از آن بوی افتخار و آزادی و ملی‌گرایی استشمام نمی‌شد و طبیعی بود که خشم سردمداران سیاست و فرهنگ طاغوت را برانگیخت. در تیتراژ انتها‌فیلم، ترانه «مرغ سحر» که صدای بیژن مفید بر تصاویری مستند از مشروطه خواهان می‌خواند: «مرغ سحر ناله سر کن ... ناغ من را تاز تر کن ...» و بر این تلخی می‌افزود و به نوعی تراژدی نهضت مشروطیت را بیان می‌کرد.

آن نگاهش به وقایع پشت‌پرده و دست‌های پنهان و تاریخ مردمی و بوسیدگی صاحبقران‌ها و هزارستان‌ها و ملکه‌برفی‌ها برپایه کدام باور و اعتقاد و ایمان و براساس کدامین ایدئولوژی بوده است. این‌که او در طول دوران سینماگری‌اش، بدون پایه اعتقادی سخن گفت و ساخت و نسزد. این‌که آن بسیم ا... الرحمن الرحیم ابتدای سوته‌دلان صرفاً از سر قشنگی و زیبایی آغاز سکانس نبود و همه آن سوگند‌ها و قسم‌هایی که قهرمان فیلم‌هایش به معصومین و انمه‌الطهار یاد کردند، حرف دل خود حاتمی بود و بس.

آخرین اثر او از آرزوهای دیرین مرحوم علی حاتمی (که آن هم به مرحله تولید و ساخت نرسید) که می‌خواست وصیت‌نامه هنری‌اش باشد، بازهم یک فیلم تاریخی بود، منتها نه از جنس تاریخ معاصر بلکه از نوع تاریخ اسلام و درباره حضرت رسول اکرم (ص. علیه وآله). حاتمی می‌خواست با آخرین اثرش، سیر فیلمسازی خودش را در پایان راه به یک نقطه اوج برساند که نهایت دریافتش از تاریخ و هستی و تبلور تمامی تحلیل‌هایش از ماهیت اصلاح و انقلاب و انسانیت به‌شمار آید. «آخرین پیامبر» نقطه‌ای بود که حاتمی می‌توانست ادعا کند، همه

جشنواره را ایجاد موجی از فیلمسازان آماتور دانست که آثارشان نمایانگر سوزه‌های بومی و مردمی باشد. محورهای موضوعی شامل دموکراسی به شرط جاقو؛ نگاهی نقادانه به تناقض‌های حمایت غرب از مردم غزه، آدمک‌های استکبار؛ ساخت و نمایش آدمک‌های سران استکبار در راهیمیمایی‌های مردمی، جنبش‌آبکش؛ نمایش ناتوانی رژیم صهیونیستی در مقابل عملیات‌های مقاومت، دوران بی‌موشکی؛ هجو ادعاهای غرب‌زدگان درباره توانایی

موشکی ایران و... است. شرکت‌کنندگان می‌توانند آثار خود را در قالب‌های مختلفی مانند فیلم کوتاه، استندآپ کمدی و شعرخوانی طنز ارسال کنند. لطفی در پایان تأکید کرد که جشنواره عمار به دنبال ایجاد نهضت‌های تولید محتواست و می‌خواهد گفت‌مان مقاومت و پایداری را از طریق هنر فیلمسازی به بهترین شکل ممکن ترویج دهد. این جشنواره فرصتی است برای همه افرادی که می‌خواهند صدای مردم را از طریق هنر به گوش جهان برسانند.

حاتمی در چنان حال و احوالی در سلطان صاحبقران، سید جمال‌الدین اسدآبادی را عنصر اصلی مخالفت با استبداد و استعمار و فساد دستگاه قاجار و نفوذ بیگانگان در این مملکت معرفی کرد و میرزا رضا کرمانی را با انگیزه ضد ظلم و استبداد و استعمار، مرید وی نمایاند. میرزا رضا در طول بازجویی خود همه انگیزه‌هایش در قتل شاه قاجار را ظلم و ستمی می‌دانست که از سوی شاه و درباریان‌اش از جمله کامران میرزا تحمل کرده و در این مسیر حتی زن و فرزندش را نیز از دست داده بود.

مرحوم علی حاتمی در سلطان صاحبقران برخلاف آنچه به کرات گفته و نوشته شده، شاه قاجار را آدمی بی‌کفایت، نالایق و ترسو به تصویر کشید و درباره و هیأت وزیرانش را مکان تجمع عده‌ای خودفروخته، وابسته و سرسیده بیگانگان نمایاند. این سریال در موقعیتی تولید و پخش شد که محمدرضا و درباریان‌ش در صدد برگزاری جشن‌های پنج‌هامین سال سلطنت پهلوی بودند و حاتمی نیز در سلطان صاحبقران به طرز متحکمه آمیز و کاریکاتوری، تصویر جشن‌های پنج‌هامین سالگرد سلطنت ناصرالدین شاه قاجار را به رخ کشید.

هزار داستان، اوج هنرمندی علی حاتمی

در هزارستان، حاتمی به زوایا و گوشه‌های پنهانی از تاریخ معاصر ایران نقب زد که نشانی از آنها در کتب رسمی و انتشار یافته، دیده نمی‌شد. اگرچه او گفته بود قصد دارد این بار نگاهش به تاریخ را از دربارها و کاخ‌شاهان بیرون آورد و به میان مردم ببرد تا تاریخ مردمی را روایت کند و اگرچه در لحظه لحظه هزارستان، در آن کوچه پس‌کوچه‌ها و بازاری که عطر کباب و ریحان، برش کرده بود و دکان‌های نانوانی و کبابی و کله‌پاچه‌ای پر سه زد و قل قل آن قلیان‌های قهوه خانه‌ها و سروس و صدای فنجان و نعلبکی‌ها و... و آدم‌هایی که سینه‌کش آفتاب چرت می‌زدند و زانگولربازی دوره‌گرد‌ها و رنج‌تعب بارکش‌ها را به چشم و گوش‌مان نشانند تا هریک به نوعی راوی بزرگی از دفتر گذشته مردمی این دیار باشند اما این بار به درون کاخ‌ها و دربارها نیز نقب زد تا از ورای همین تاریخ مردمی، به دست‌ها و کانون‌های پنهان گرداننده آن دربار‌ها و کاخ‌ها برسد؛ دست‌هایی که حتی از سفارتخانه‌های سریال سلطان صاحبقران نیز نافذتر و تعیین‌کننده تر بودند.

از همین‌رو هزارستان مملو از لایه‌های پنهان در موضوع و ستارخ و حتی درون قصه‌های آن بود و تئودور هرازیبک شش‌اش بود که براساس فرهنگ شرقی و خصوصاً ایرانی/ اسلامی، سرشار از معانی و مفاهیم پیچیده و چنگ‌گانه در ریزترین زوایا و گوشه‌های خود به‌نظر می‌رسید. چنانچه حتی عنوان هزارستان نیز چنین حکایتی داشت که علاوه بر اشاره به داستان‌های متعدد این مجموعه و مفهوم بلبل داستان به عنوان پررنده‌ای زیبا و خوش‌آواز بر دست‌های پنهان نیز تأکید داشت، اگرچه بنا به آخرین جمله سریال، «دست خداست بالاترین دست‌ها». اما طی ساخت مجموعه هزارستان که حدود ۱۰ سال به طول انجامید، علی حاتمی سه فیلم سینمایی جلوی دوربین برد که دوتای آنها یعنی «حاجی واشنگتن» و «کمال الملک» باز به تاریخ معاصر ایران با همان گرایش به ناگفته‌های پنهان این تاریخ می‌پردازد و موسمی یعنی «جغفرخان از فرنگ برگشته» به دلمشغولی دیگر حاتمی، یعنی تجدد و ارادتی غرب نظر داشت.

حکایت اولین سفیر ایران در واشنگتن

حاجی واشنگتن رامی‌توان به نوعی ادامه سلطان صاحبقران دانست که فرزند میرزا آقاخان نوری (عامل کانون‌های استعماری در سلطنت قاجار و گرداننده واقعی سلطنت ناصرالدین‌شاه تا زمان میرزا حسن‌خان سپهسالار) به عنوان اولین سفیر ایران به آمریکا رفت و سفارت دولت شاهنشاهی را در یتگه دنیا تاسیس کرد. حاتمی خود اذعان داشت که برای ساخت این فیلم و پرداخت شخصیت حاجی حسین قلی‌خان صدرالسلطنه (حاجی واشنگتن) اسناد چندانی در دسترس نداشت و تنها منابعی که در اختیارش گذارده شده، چند گزارش صدرالسلطنه به دربار شاه بوده و همچنین نطقش در حضور رئیس جمهوری آمریکا و چند گزارش پراکنده. حاتمی در «کمال الملک» نیز به پشت‌پرده سیاست و تاریخ نوشته شده پرداخت و مشروطه را نتیجه‌ای از بیگانگان تلقی کرد. فیلم «مادر» اگرچه به نظر یک اثر مولودرام به نظر رسید اما در پس‌زمینه قصه مادری که به اصطلاح آواز قویش پس از سال‌ها یک خانواده را برکنده را گرد هم جمع کرد، علاوه بر عناصر فرهنگ و سبک زندگی ایرانی– اسلامی در مقابل فرهنگ مهاجم غرب، به ماجرای مسجد گوهرشاد و سرکوب قیام مردم مسلمان در مقابل تجدد و ارادتی رضاخان اشاره داشت و همچنین غیرت و همت مردم برای روی پای خود ایستادن را قالب‌ر داد خانواده‌ای بدون سرپرست و زغمند به تصویر کشید. او در آخرین فیلم سینمایی‌اش یعنی «لدشنگان» به گوشه‌ای دیگر از ناموده‌های تاریخ معاصر ایران یعنی تاریخ ضبط موسیقی در ایران، البته با پرداخت ویژه خودش پرداخت و برای اولین بار تاریخچه موسیقی ایرانی در سده معاصر را برپرده سینما برد.

اکران

زمان تعطیلی سالن‌های سینما اعلام شد

روزهای تعطیلی سینما در آستانه شهادت حضرت زهرا(س) اعلام شد. محمدرضا صابری، دبیر انجمن سینما داران گفت: همزمان با فرارسیدن شهادت حضرت فاطمه(س) و تعطیلی رسمی روز پنجشنبه ۱۵ آذر)، سینماهای سراسر کشور از اذان مغرب روز چهارشنبه ۱۴ آذر) تا پایان روز پنجشنبه تعطیل خواهند بود. به‌گفته وی فعالیت سینماها از صبح جمعه، ۱۶ آذر ماه از سر گرفته می‌شود. در حال حاضر فیلم‌هایی همچون «۲۰ سی» اولین اثر بهرام افشاری در مقام کارگردان، «صبحانه با زافاه» به کارگردانی سروش صحت، «زود یز» جدیدترین ساخته رامبد جوان، «شنگول و منگول» به کارگردانی کیانوش و باغ کیانوش» اولین اثر رضا کشاورز حداد، «نبودنت» به کارگردانی کاوه سجادی حسینی، «سه جلد» به کارگردانی مهدی اسماعیلی، «پول و پارتی» اثری از سعید سهیلی، «مفت‌بر» به کارگردانی عادل تیریزی، «ببعی قهرمان» روگردار فروش در میان انیمیشن‌ها به کارگردانی حسین صفارزادگان، «شیکرد» اثر تاز‌ه کارگردان با سابقه فرهاد موتمن و «تکراس ۳» پرفروش‌ترین فیلم حال حاضر سینمای ایران به کارگردانی سید مسعود طایبانی در حال اکران هستند.

رویداد

دست پر سینماگران ایران در جشنواره «دهوک»

در یازدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم دهوک: علی عسگری، کارگردان ایرانی ریاست هیأت داوران بخش فیلم‌ها ی بلند سینمایی را بر عهده دارد. دکتر قطب‌الدین صادقی، بازیگر و کارگردان تئاتر و آکام رضایی، مدیر جلوه‌های بصری و کارگردان ایرانی مقیم آمریکا نیز به عنوان اعضای هیأت داوران بخش سینمای کُردی حضور دارند. این جشنواره از ۲۶ تا ۲۹ آذرماه (۹ تا ۱۶ دسامبر ۲۰۲۴) در دانشگاه دهوک و سینمای «دهوک مول» برگزار می‌شود. در بخش رقابتی «سینمای جهان»، فیلم‌های «تورهای خالی» و «ملودی» برای کسب جوایز معتبر جشنواره رقابت می‌کنند.

همچنین در بخش سینمای کُردی، فیلم‌های «ساکار» و «کوچر» به رقابت می‌پردازند. در کنار این، شش فیلم مستند و شش فیلم کوتاه داستانی نیز در بخش‌های مختلف در حال نمایش هستند. جشنواره دهوک با هدف ایجاد ارتباط میان کارگردانان کُرد و جهانی و ارتقای تبادل فرهنگی برگزار می‌شود. این رویداد به یاد یولماز گونای، کارگردان سرشناس کُرد، برگزار شد و ۱۰۷ اثر از کارگردانان مختلف را به نمایش می‌گذارد.



لزوم توجه به

هنرمندان آسیب دیده

خانواده اصغر شاهرودی، صدابردار پیشکسوت سینما، از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دعوت کردند تا از وضعیت این هنرمند در هجدهمین سال‌خانه‌نشینی‌اش مطلع شود و شرایط بهبود حال هنرمندانی که حین کار دچار مشکل می‌شوند، فراهم کند. شاهرودی که در پروژه‌های بزرگ سینما با کارگردانانی چون مهرجویی کار رستمی در فیلم‌های «هامون» و «اجاره‌نشین‌ها» همکاری داشته، در آذرماه ۱۳۸۶ به دلیل سانحه رانندگی دچار عارضه مغزی شد و اکنون ۱۸ سال است که بدون تکلم و توان حرکت زندگی می‌کند.



قاب